J TOLOO E BEHDASHT, School of Public Health, Yazd Shahid Sadoughi Univ Med Sci

ORIGINAL ARTICLE
Received:2025/06/07 *Accepted:2025/08/12*

Designing a Multicultural Parenting Training Package and Examining Its Effectiveness on Child-Parent Interaction

Sama Jadidi(Ph.D.s)[1], Seyyed Mousa Kafi Masouleh(Ph.D.)[2], Iraj Shakerinia(Ph.D.)[3], Abbas Ali Hosseinkhanzadeh(Ph.D.)[4]

1.PhD. Student Psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

2.Corresponding Author: Professor Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht. Iran. Email: mosakafi@guilan.ac.ir Tel:09111374753

3.Associate Professor Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

4.Professor Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran

Abstract

Introduction: Parenting is a set of parental behaviors and attitudes that are influenced by biological, psychological, and especially cultural factors. Cultural diversity can shape parenting patterns and affect the quality of the parent-child relationship. Therefore, the present study was aimed to design a multicultural parenting training package and determine its effectiveness on parent-child interaction.

Methods: The present study was an exploratory mixed type. The target population included all parents aged 25-40 with children of 5-12. In the qualitative part, based on grounded theory and purposive sampling, 28 parents participated from the Lor, Kurd, Tork, and Gilak ethnic groups in 2022-2023. In the intervention part, pretest-posttest quasi-experimental and follow-up design were implemented on 30 parents from Tehran province in 2023-2024 who were selected by convenience sampling. Participants were randomly assigned to the experimental and control groups. The instruments included demographic questionnaire, semi-structured interview, multicultural parenting package, and child-parent relationship scale.

Results: In the qualitative part, 1410 concepts, 158 categories, and 12 classes were extracted. In the intervention part, analysis of variance with repeated measurement showed that the multicultural parenting training package reduced conflict and increased intimacy (p>0/001), but no significant change was observed in the dependency component.

Conclusion: Paying attention to cultural considerations in training parenting is important. The designed package could improve positive parent-child interaction by reducing conflict and increasing intimacy, but changes in attachment require longer-term interventions. This approach can be used as a scientific and cultural strategy to strengthen family relationships in multi-ethnic contexts.

Keywords: Parent-Child Relations, Parenting, Culture, Grounded Theory, Parents

Conflict of interest: The authors declared no conflict of interest.

This Paper Should be Cited as:
Author: Sama Jadidi, Seyyed Mousa Kafi Masouleh, Iraj Shakerinia, Abbas Ali Hosseinkhanzadeh. Designing a Multicultural Parenting Training Package and Determining Its Effectiveness…….Tolooebehdasht Journal. 2025;24(3)63-85.[Persian]

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

طلوع بهداشت

دو ماهنامه علمی پژوهشی
دانشکده بهداشت یزد
سال بیست و چهارم
شماره سوم
مرداد و شهریور
شماره مسلسل:۱۱۱

تاریخ وصول:۱۴۰۴/۰۳/۱۷
تاریخ پذیرش:۱۴۰۴/۰۵/۲۱

طراحی بسته آموزشی فرزند پروری چندفرهنگی و بررسی اثربخشی آن بر تعامل والد-فرزند

نویسندگان:سما جدیدی[۱]، سید موسی کافی ماسوله[۲]، ایرج شاکری نیا[۳]، عباسعلی حسین خانزاده[۴]

۱.دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۲.نویسندهٔ مسئول: استاد گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت. ایران.

تلفن تماس: ۰۹۱۱۱۳۷۴۷۵۳ Email: mosakafi@guilan.ac.ir

۳.دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

۴.استاد گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقدمه: فرزند پروری مجموعه‌ای از رفتارها و نگرش‌های والدین است که تحت تأثیر عوامل زیستی، روان‌شناختی و به ویژه فرهنگ قرار دارد. تنوع فرهنگی می‌تواند الگوهای تربیتی را شکل دهد و بر کیفیت رابطهٔ والد-فرزند اثرگذار باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف طراحی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی و تعیین اثربخشی آن بر تعامل والد–فرزند انجام شد.

روش بررسی: مطالعهٔ حاضر از نوع آمیختهٔ اکتشافی بود. جامعهٔ هدف شامل کلیهٔ والدین ۴۰-۲۵ سالهٔ دارای فرزند ۱۲-۵ ساله بود. در بخش کیفی، براساس نظریهٔ داده بنیاد و نمونه‌گیری هدفمند ۲۸ والد از اقوام لر، کرد، ترک و گیلگ در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشارکت داشتند. در بخش مداخله‌ای، طرح نیمه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری بر ۳۰ والد از استان تهران در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳ اجرا شد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند. شرکت‌کنندگان به صورت تصادفی در گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. ابزارها شامل پرسشنامهٔ جمعیت شناختی، مصاحبهٔ نیمه ساختار یافته، بستهٔ فرزند پروری چند فرهنگی و مقیاس رابطهٔ والد–کودک بود.

یافته ها: در بخش کیفی ۱۴۱۰ مفهوم، ۱۵۸ مقوله و ۱۲ طبقه استخراج شد. در بخش مداخله‌ای، تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر نشان داد بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی موجب کاهش تعارض و افزایش صمیمیت شد ($p>۰/۰۰۱$)، اما تغییر معناداری در مؤلفهٔ وابستگی مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: توجه به ملاحظات فرهنگی در آموزش فرزند پروری اهمیت دارد. بسته طراحی شده توانست تعامل مثبت والد-فرزند را با کاهش تعارض و افزایش صمیمیت بهبود دهد، اما تغییر در وابستگی نیازمند مداخلات طولانی مدت‌تر است. این رویکرد می‌تواند به عنوان راهکاری علمی و فرهنگی برای تقویت روابط خانوادگی در بافت‌های چند قومیتی به کار رود.

واژه‌های کلیدی: روابط والد-فرزند، فرزند پروری، فرهنگ، نظریهٔ داده بنیاد، والدین

این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ دانشجوی دکتری دانشگاه گیلان است.

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

CC BY-NC 4.0

مقدمه

رابطهٔ والد-کودک، سنگ بنای رشد سالم در طول زندگی محسوب می‌شود. این رابطهٔ پیچیده تحت تأثیر ویژگی‌های والدین، کودک و محیط اجتماعی قرار دارد(۱). کیفیت تعاملات بین والدین و فرزند، نقشی محوری در شکل‌گیری الگوهای هیجانی و رفتاری کودکان ایفا می‌کند، به طوری‌که فقدان یا ضعف آن می‌تواند عاملی خطرزا برای بروز مشکلات هیجانی و رفتاری در سال‌های اولیهٔ زندگی و حتی بزرگسالی باشد(۲). این رابطه ترکیبی از رفتارها، احساسات و انتظارات منحصر به فردی است که بین والدین و فرزند وجود دارد و می‌تواند از گرم و سازنده تا منفی و مخرب متغیر باشد(۳). از این رو، متخصصان حوزهٔ تربیت کودکان همواره در تلاش برای یافتن روش‌های آموزشی جدید به منظور تقویت این تعاملات هستند(۴).

در این میان، فرزندپروری که با ابعاد روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی درهم‌تنیده است، نقش بی بدیلی در شکل دهی کیفیت تعاملات والد-کودک ایفا می‌کند(۵). فرزند پروری یکی از ساز وکارهای کلیدی در شکل‌گیری رشد و پیامدهای رفتاری و هیجانی کودکان و نوجوانان است(۶). نتایج پژوهش‌های اخیر، اثر بخشی برنامه‌های مختلف فرزند پروری را در بهبود رابطهٔ والد-فرزند به وضوح نشان می‌دهند. به عنوان مثال بشیرگنبدی و همکاران(۷) گزارش کردند که برنامهٔ والدگری مبتنی بر ذهن‌آگاهی، کیفیت روابط والد-فرزند را در مادران بهبود می‌بخشد. مطالعات دیگر نیز اثرگذاری آموزش فرزند پروری مبتنی بر تعهد و پذیرش(۸)، فرزند پروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان‌دهی(۹)، آموزش فرزند پروری مثبت(۱۰)، فرزند پروری مبتنی بر طرحواره(۱۱)، فرزند پروری ذهن‌آگاهانه(۱۲) و مدل التقاطی خانواده محور(۱۳) را در تقویت تعامل والد-کودک و والدگری مؤثر به اثبات رسانده‌اند. حتی برنامه‌های ترکیبی مانند آموزش مدیریت والدین و فرزند پروری ذهن آگاهانه نیز در کاهش تعارضات و نزدیک شدن روابط والد-کودک مؤثر بوده‌اند(۱۴). این یافته‌ها همگی بر این نکته صحه می‌گذارند که سرمایه‌گذاری بر روی آموزش و حمایت از والدین، گامی حیاتی در تضمین سلامت روان و سازگاری کودکان است(۱۵).

با این حال در دنیای رو به رشد امروز، درک عمیق‌تر فرآیند فرزند پروری مستلزم توجه به بافتار مجموعه شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی است. بنابراین فرزند پروری پدیده‌ای فرهنگی نیز هست، زیرا سنت‌های رفتاری یک زمینهٔ فرهنگی خاص را منعکس می‌کند(۱۶).

نظریه‌های مختلف نیز بر نقش فرهنگ تأکید دارند. نظریهٔ بوم شناختی رشد انسان را حاصل تعامل با لایه‌های مختلف بافت بوم شناختی می‌داند. در این دیدگاه شیوه‌های فرزند پروری به شدت تحت تأثیر ابعاد مختلف اجتماعی و رفتار فرهنگی قرار می‌گیرد(۱۷). همچنین نظریهٔ یادگیری اجتماعی بندورا(۱۸) توضیح می‌دهد که کودکان هنجارهای فرهنگی مرتبط با فرزند پروری را از مراقبان و محیط اجتماعی گسترده‌تر خود می‌آموزند. نظریهٔ دلبستگی(۱۹) نیز بیان می‌کند که هنجارهای فرهنگی می‌توانند بر شکل‌گیری و پویایی روابط دلبستگی تأثیر بگذارند. نظریهٔ ارزش شوارتز(۲۰) نیز تأکید دارد که ارزش‌های فرهنگی، دیدگاه‌های فرد از جهان را شکل داده و در تمام جنبه‌های زندگی روزمره نفوذ می‌کنند و می‌توانند اعمال انسان را هدایت کنند. حتی سبک‌های فرزند پروری بامریند(۲۱) نیز

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

در زمینه‌های فرهنگی مختلف تفاوت‌هایی را نشان می‌دهند، هرچند سبک مقتدرانه در اکثر کشورها به عنوان بهترین سبک در نظر گرفته می‌شود(۲۲). با وجود این، برخی مطالعات مانند مسیران(۲۳) در مالزی نشان می‌دهند که رفتارهای فرزند پروری متناسب با فرهنگ، مؤثرتر از فرزند پروری مقتدرانهٔ استاندارد است. این امر نیاز به رویکردهای حساس به فرهنگ را در حمایت از والدین و فرزندان با پیشینه‌های متنوع برجسته می‌سازد(۲۴). بررسی‌های اخیر نیز نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی والدگری چند فرهنگی که بر آگاهی فرهنگی و پاسخ‌دهی حساس تأکید می‌کنند، توانمندی والدین و تعاملاتشان با کودک را ارتقاء می‌دهد(۲۵).

با توجه به آنچه گفته شد در دنیای امروز به ویژه در مناطق شهری که با گوناگونی فرهنگی بی نظیری روبرو هستیم و در شرایطی که مداخلات فرزندپروری طراحی شده در فرهنگ‌های غربی به طور فزاینده‌ای به سایر جوامع منتقل می‌شوند(۲۶)، ضرورت پرداختن به چالش‌های فرهنگی ناشی از این تلاقی‌ها بیش از پیش نمایان می‌شود. با وجود اینکه در ایران برنامه‌های فرزند پروری متنوعی برای والدین مورد بررسی قرار گرفته و نتایج مثبتی در این زمینه گزارش شده است اما تاکنون برنامه‌ای آموزشی که برخاسته از فرهنگ ایرانی باشد و اثر بخشی آن در بستر چند فرهنگی مورد سنجش قرار گرفته باشد، طراحی نشده است. این خلأ در ادبیات پژوهشی به خصوص در زمینهٔ اثربخشی بستهٔ آموزشی فرزند پروری مبتنی بر فرهنگ چند قومیتی بر تعامل والد-فرزند به وضوح مشاهده می‌شود. طراحی این بستهٔ آموزشی می‌تواند اهمیت قابل‌توجهی در بهبود وضعیت روان‌شناختی والدین و کودکان در جوامع چند فرهنگی داشته باشد.

در پژوهش حاضر، اصطلاح «چند فرهنگی» به معنای حضور و تعامل فعال میان افراد و گروه‌هایی با پیشینه‌های قومی، زبانی، دینی و سبک‌های زندگی متفاوت در یک جامعه یا محیط مشترک است. این مفهوم بر همزیستی گروه‌های متنوع و تبادل ارزش‌ها، هنجارها و شیوه‌های رفتاری بین آن‌ها دلالت دارد. در بافت ایرانی، چند فرهنگی به ترکیب اقوام مختلف مانند فارس، کرد، لر، ترک، گیلک و دیگر گروه‌ها و نیز تفاوت‌های ناشی از مهاجرت و زندگی شهری-که فرهنگ‌های محلی را در تماس روزمره قرار می‌دهد- اشاره دارد. اهمیت چند فرهنگی در فرزند پروری از آن جهت برجسته است که والدین در چنین بافتی باید نه تنها ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگ خود را به فرزندان منتقل کنند، بلکه آن‌ها را برای تعامل سالم و سازگار با تفاوت‌های فرهنگی آماده سازند. این آمادگی شامل احترام به دیگران، پذیرش تفاوت‌های قومی و اجتماعی و پرورش مهارت‌های ارتباطی مؤثر در محیط‌های ناهمگون است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برنامه‌های آموزشی حساس به بافت چند فرهنگی، توان والدین را برای مدیریت چالش‌های ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و پرورش کودکان در محیط‌های متنوع افزایش می‌دهند(۲۵،۲۷).

از آنجا که ایران جامعه‌ای چند فرهنگی است و مردم آن از اقوام گوناگون با باورهای متفاوت تشکیل شده‌اند، سبک‌های فرزند پروری نیز متأثر از این تنوع فرهنگی‌اند. برای مثال در پژوهشی بر روی خانواده‌های مهاجر در کانادا مشخص شد والدینی که در محیط چند فرهنگی زندگی می‌کنند، ناچارند سبک‌های تربیتی خود را با شرایط فرهنگی متنوع جامعهٔ جدید

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

سازگار کنند(۲۷). بنابراین با در نظر گرفتن اهمیت بی‌شائبهٔ تعامل والد-کودک در رشد و بهزیستی کودکان و از سوی دیگر با توجه به خلأ موجود در پژوهش‌های بومی‌سازی شده در زمینهٔ فرزند پروری در ایران، پژوهش حاضر با هدف تدوین بسته آموزشی چند فرهنگی و تعیین اثربخشی آن بر تعامل والد-فرزند انجام شد.

روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع آمیختهٔ اکتشافی (کیفی-کمّی) بود. جامعهٔ هدف در هر دو بخش کیفی و کمّی کلیهٔ والدین ۲۵ تا ۴۰ سالهٔ دارای فرزند ۵ تا ۱۲ ساله از اقوام مختلف ایرانی بودند. در بخش کیفی بر پایهٔ نظریهٔ داده بنیاد و با رویکرد اشتراوس و کوربین، نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع داده‌ها در بازهٔ زمانی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ انجام شد. شرکت‌کنندگان این بخش شامل ۲۸ والد (از هر یک از اقوام لر، کرد، ترک و گیلک ۷ نفر) بودند.

بخش مداخله‌ای با طرح نیمه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون با مرحلهٔ پیگیری و روش نمونه‌گیری در دسترس در بازهٔ زمانی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ اجرا شد. ۳۰ والد (لر، کرد، ترک، گیلک، مازندرانی، فارس و عرب) از ساکنان استان تهران انتخاب و به صورت تصادفی در گروه آزمایش (۱۵ نفر دریافت‌کنندهٔ آموزش) و گواه (۱۵ نفر بدون آموزش) قرار گرفتند.

حال به شواهدی از مصاحبه‌های کیفی در کنار استدلال روش شناسی اشاره می‌شود تا مشخص شود که انتخاب نظریهٔ داده بنیاد نه یک انتخاب تصادفی، بلکه ضرورت علمی بوده است. ۱.ماهیت سؤال پژوهش و نبود چارچوب بومی. هیچ مدل مفهومی آزموده شده برای فرزند پروری چند فرهنگی در ایران وجود نداشت. نظریه پردازی داده بنیاد امکان می‌دهد مفاهیم و ساختارها مستقیماً از تجربه‌های واقعی والدین استخراج شوند، بدون اتکا به فرضیات از پیش موجود. نمونه نقل‌قول: بچه همون چیزایی که ما هستیم از ما می‌گیره. حتی اگر اشتباه باشه فکر می‌کنیم درسته. ۲.ارتباط مستقیم با طراحی بستهٔ آموزشی. تمام جلسات آموزشی بر اساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی از مصاحبه‌ها شکل گرفت. این روش اطمینان داد که محتوای جلسات دقیقاً منعکس‌کنندهٔ نیازها و چالش‌هایی است که والدین بیان کرده‌اند. نمونه نقل‌قول: بچه‌های امروزی سنت بلد نیستند. فقط احترام بزرگتر را نگه می‌دارند. ۳.کشف مفاهیم پنهان و روابط آن‌ها. در تحلیل داده‌ها موضوعاتی مانند «ارزش‌های فرهنگی» و «پذیرش چندفرهنگی» نه به عنوان فرض اولیه، بلکه به صورت مقوله‌های برآمده از داده‌ها شکل گرفتند. نمونه نقل‌قول: محیط مهم است. اطرافیانت و معاشرت‌ها نگاه کودک را شکل می‌دهد. ۴.انعطاف در مواجهه با تنوع فرهنگی نمونه‌ها. شرکت‌کنندگان از قومیت‌ها و بافت‌های فرهنگی متفاوت (کرد، ترک، لر و گیلک) بودند. داده بنیاد با روش استقرایی این تنوع را به‌جای فیلتر کردن به عنوان بخشی از نظریهٔ نهایی پذیرفت و منعکس کرد. نمونه نقل‌قول: ما دهه هفتادی که بودیم، امکانات الان زمین تا آسمون فرق می‌کرد. نباید آن دوره را برای بچه‌ها تکرار کنیم. درواقع انتخاب نظریهٔ داده بنیاد ناشی از ضرورت علمی و عملی بود: فقدان مدل بومی، نیاز به انسجام بخش کیفی و آموزشی و اهمیت انعکاس دیدگاه‌های چندفرهنگی والدین.

بدون این رویکرد، بستهٔ آموزشی نه تنها اعتبار محتوایی خود را از دست می‌داد، بلکه امکان پاسخگویی واقعی به چالش های

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

CC BY-NC 4.0

فرهنگی- اجتماعی خانواده‌های ایرانی را نداشت. ملاک های ورود به پژوهش حاضر عبارت بودند از ۱-داشتن سن ۲۵ تا ۴۰ سال برای والدین، ۲-داشتن حداقل سطح تحصیلات ۹ کلاس برای والدین، ۳-داشتن سن ۵ تا ۱۲ سال برای فرزندان، ۴-پاسخگویی به تمام سؤالات مصاحبه توسط والدین. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عبارت بودند از ۱-تشخیص بالینی اختلالات روانپزشکی (مطابق با DSM-5) در والد یا فرزند، ۲-وجود بیماری‌های جسمانی مزمن یا ناتوان‌کننده در والد یا فرزند که بر فرآیند تربیت یا حضور در جلسات آموزشی تأثیرگذار باشند، ۳-سابقهٔ سوءمصرف مواد (فعال یا در ۵ سال اخیر) در والدین، ۴-سابقهٔ طلاق والدین در یک سال اخیر، ۵-خانواده‌های دارای فرزندخوانده. از کلیهٔ مشارکت‌کنندگان در پژوهش، رضایت نامهٔ کتبی دریافت شد و از اختیاری بودن ادامهٔ شرکت در طرح و همچنین حفظ و محرمانگی هویت و همهٔ اطلاعات، به آنها اطمینان داده شد.

مطالعه حاضر در ۵ مرحله اجرا شد. در مرحلهٔ اول (بخش کیفی) مصاحبهٔ نیمه ساختار یافته از شرکت‌کنندگان به عمل آمد. سپس کدگذاری به روش اشتراوس و کوربین انجام شد. در مرحلهٔ دوم به منظور اعتبارسنجی یافته‌ها برای رسیدن به باور پذیری، انتقال پذیری و تأیید پذیری پاسخ مشارکت‌کنندگان از تکنیک‌های کنترل اعضاء، کسب اطلاعات دقیق موازی و خود بازبینی محققان استفاده شد. در مرحلهٔ سوم بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی براساس داده‌های حاصل از نظریهٔ داده بنیاد طراحی شد. در مرحلهٔ چهارم به اعتباریابی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی با روش سه سویه سازی پرداخته شد. در مرحلهٔ پنجم (بخش مداخله‌ای) با استفاده از طرح نیمه‌آزمایشی پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری (پس از ۱ ماه) اثربخشی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی سنجیده شد. ابزار مورد استفاده شامل موارد زیر بودند:

پرسشنامهٔ جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه شامل سؤالات مربوط به جنسیت، سن، تحصیلات و قومیت شرکت کنندگان بود.

مصاحبهٔ نیمه ساختاریافته: با توجه به هدف پژوهش در بخش کیفی مبنی بر شناسایی مؤلفه‌های فرزند پروری چند فرهنگی در خانواده‌های اقوام ایرانی، مصاحبهٔ نیمه ساختار یافته‌ای توسط محقق(۲۸) طراحی شد. پرسش‌ها به گونه‌ای تدوین شدند که امکان کاوش عمیق در تجارب زیستهٔ والدین را فراهم آورند. سؤالاتی از جمله «به نظر شما، فرزندپروری به چه معناست؟»، «علت بچه‌دار شدن شما چه بوده است؟»، «بچه‌دار شدن چه تأثیری بر زندگی‌تان گذاشته است؟»، «کدام شیوه‌های تربیتی والدینتان را در برخورد با فرزند خود به کار می‌برید یا از انجام آن اجتناب می‌کنید؟» و «چه موانعی بر سر راه فرزند پروری وجود دارد؟» مطرح شد.

بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی: مبنای طراحی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت، رسالهٔ دکتری محقق(۲۸) است که در آن از عوامل مداخله‌گر، شرایط علّی و زمینه‌ای مؤثّر بر فرزند پروری و همچنین راهبردها و پیامدهای حاصل از فرزند پروری استفاده شده است. بستهٔ آموزشی حاضر با رویکردی نوآورانه و مبتنی بر پژوهش کیفی داده بنیاد محققان حاضر در فاز اول پژوهش طراحی گردید. مضامین اصلی این بسته مستقیماً از مفاهیم هسته‌ای و مقولات استخراج‌شده از تحلیل داده‌های کیفی مربوط به تجارب والدین در فرزند پروری نشأت گرفته‌اند که شامل

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

نقش خود آگاهی والدین در تربیت، اهمیت تنظیم هیجان در تعامل با کودک، تأثیرات محیط اجتماعی بر فرآیند تربیت، اهمیت بازبینی شیوهٔ تربیت، یادگیری مهارت‌های زندگی توسط والدین، شناخت نیازهای اساسی کودکان و ضرورت طراحی نقشهٔ راه تربیتی شخصی سازی شده می‌باشند و به سر فصل‌های آموزشی مشخصی در جلسات مختلف تبدیل شده‌اند. علاوه بر این برای افزایش غنای علمی و اثربخشی عملی، محتوای هر یک از جلسات بر پایهٔ اصول روان شناختی و تربیتی معتبر و با اتکا به منابع علمی شناخته شده از جمله نظریهٔ یادگیری-اجتماعی بندورا(۱۸)، نظریهٔ فرزند پروری بامریند (۲۱)، نظریهٔ شخصیت توماس و چس(۲۹)، نظریهٔ زیست-بوم شناختی برونفن برنر(۳۰)، نظریهٔ نیازهای هیجانی جفری یانگ(۳۱)، نظریهٔ انتخاب ویلیام گلاسر(۳۲) و شناخت درمانی بک(۳۳) تدوین شد. هدف از این رویکرد دوگانه، ایجاد بسته‌ای بود که هم ریشه‌های عمیقی در تجربیات زیستهٔ والدین داشته باشد و هم از پشتوانهٔ نظری و تجربی مستحکم برخوردار باشد.

این بسته شامل ۱۶ جلسهٔ ۹۰ دقیقه‌ای گروهی بود که هر جلسه در چهار بخش اجرا شد: بخش اول (۱۰ دقیقه) مرور فعالیت‌ها و تکالیف جلسهٔ قبل، بخش دوم (۶۰ دقیقه) ارائهٔ موضوع، آموزش تکنیک‌ها، مثال‌ها و انجام فعالیت‌های عملی، بخش سوم (۱۰ دقیقه) جمع‌بندی مطالب و پاسخ به پرسش‌ها و بخش چهارم (۵ دقیقه) ارائهٔ تکالیف جلسهٔ آینده و ترغیب به تمرین مهارت‌های آموخته‌شده. همچنین ۵ دقیقهٔ پایانی به پذیرایی اختصاص یافت. طبق یافته‌های کیفی، نقش فرهنگ در سه محور برجسته شده است: ۱. شکل‌گیری هنجارها و انتظارات والدین. نمونه نقل‌قول: مادرم فقط حرف خودش را می‌زد. من سعی کردم آزادتر باشم. ۲.انتقال آیین‌ها و سنت‌ها به فرزندان. نمونه نقل قول: چهارشنبه سوری را باید در خانه خودت باشی آتشت را روشن کنی. ۳.مدیریت تفاوت‌ها و تعارض فرهنگی. نمونه نقل‌قول: همسرم خیلی سخت‌گیر است، ولی من محبت و آزادی بیشتری می‌دهم.

مفهوم چند فرهنگی بر اساس مقوله‌های «پذیرش تفاوت‌ها» و «سازگاری میان‌فرهنگی» در این جلسات گنجانده شده است: والد-محور جلسهٔ ۴: تعامل والدین با فرهنگ‌های دیگر و یادگیری مهارت سازگاری. نمونه نقل‌قول: پوشش‌های مختلفی وجود دارد. بچه راحت می‌تواند هر چیزی که دلش می‌خواهد بپوشد. والد-محور جلسهٔ ۶: مواجهه با اختلاف فرهنگی در محیط آموزشی و خانوادگی. نمونه نقل‌قول: محیط مهم است. اطرافیانت و معاشرت‌ها نگاه کودک را شکل می‌دهد. فرزند-محور جلسهٔ ۳: آموزش احترام به تفاوت‌های قومی از طریق بازی گروهی. نمونه نقل‌قول: باید به هم احترام بگذاریم، جدا از علم‌های امروزی. فرزند-محور جلسهٔ ۶: تمرین ارتباط مؤثّر با همسالان از فرهنگ‌های متفاوت. نمونه نقل‌قول: دوست دارم آزاد باشند و خودشان انتخاب کنند، حتی اگر با رسم من فرق داشته باشد.

جلسات در دو بخش برگزار شد: الف) جلسات والدمحور شامل ۹ جلسه با تمرکز بر رشد فردی والدین و تقویت روابط میان آنها؛ ب) جلسات فرزندمحور شامل ۷ جلسه با محوریت ارتقاء ارتباط سالم والد-فرزند و فراهم‌سازی بستر مناسب برای رشد کودک. خلاصهٔ بستهٔ آموزشی اعتبارسنجی‌شدهٔ فرزند پروری چند فرهنگی در جدول ۱ ارائه شده است.

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

جدول ۱: بستهٔ آموزشی فرزندپروری چندفرهنگی

جلسات والد محور	
جلسه	اهداف و محتوای هر جلسه
اول	گرفتن پیش‌آزمون، بیان قوانین جلسه، آشنایی افراد با یکدیگر، بحث دربارهٔ مشکلات شایع فرزندان، بهره‌گیری از تجارب تربیتی، ایجاد صمیمیت بین اعضا، توضیح انواع سبک‌های تربیتی و ویژگی‌های آنها
دوم	شناخت ویژگی‌های فردی از نظر خود و دیگران، بررسی مزایا و معایب ویژگی‌های فردی با هدف حفظ ویژگی‌های مثبت و برطرف کردن ویژگی‌های منفی، توضیح خودپذیری سازگارانه
سوم	تأکید بر نقش والدین در شکل‌گیری شخصیت فرزند، تعریف مهارت‌های زندگی، بیان اهمیت یادگیری مهارت‌های جدید، آموزش مهارت‌های کاربردی با هدف پذیرش نقص والدینی و افزایش آمادگی والدین برای پرورش فرزند
چهارم	شناسایی مسائل مداخله‌کننده در تربیت از طریق پرسشنامهٔ رضایت زناشویی، آموزش مهارت حل مسئله، آموزش فعالیت‌های پیش‌نیاز تربیتی، بیان اهمیت تعامل مثبت والدین با یکدیگر، شرح حقوق خانواده
پنجم	آموزش انواع سواد تربیت، شیوه‌های مدیریت چالش‌های رشدی فرزندان با هدف تأمین نیازهای فرزندان
ششم	تعریف فکر و رفتار، توضیح انواع خطاهای تربیتی، شناسایی فکر/ رفتار/ گفتار ناکارآمد، بررسی پیامدهای خطاها بر جنبه‌های مختلف زندگی
هفتم	آموزش بازسازی شناختی با هدف بهبود عملکرد والدین و افزایش انگیزهٔ تربیتی، توضیح شیوه‌های مقابله با ناامیدی، تعریف معنایابی پسافرزندآوری/حوادث دیدگستر/ نگرش پسابحرانی/ دیدگاه‌گیری مجدد/ دووجه‌بینی سازگارانه
هشتم	بررسی پیامدهای ناهماهنگی تربیتی، پرداختن به انواع روش‌های ایجاد اتحاد تربیتی با هدف افزایش همسویی والدین، تقویت ارتباطات والدین با یکدیگر و اهمیت دادن آنها به یکدیگر
نهم	توضیح انواع روش‌های مراقبت از خود با هدف تقویت روحیهٔ والدگری و پیشگیری از فرسودگی تربیتی، بررسی پیامدهای مراقبت از خود
جلسات فرزندمحور	
جلسه	اهداف و محتوای هر جلسه
دهم	بررسی جهان‌بینی تربیتی دربارهٔ فرزندآوری و فرزندپروری، تعریف فرزندپروری، آگاهی از سبک تربیتی از طریق پرسشنامهٔ شیوه‌های فرزندپروری، بررسی مزایا و معایب فرزند داشتن، تعریف فرازادنگری/ استعاره‌گویی تربیتی، توضیح مراحل نقشه‌پردازی تربیتی با هدف بهبود عملکرد والدین، رسیدگی به حقوق فرزند و حمایت از فرزند
یازدهم	توضیح روش‌های ایجاد ارتباط مؤثر با فرزند با هدف صمیمیت والد و فرزند، الگوآفرینی مثبت و ارزش‌گذاری بر فرزند، شرح نیازهای هیجانی اساسی انسان، آموزش فعالیت‌های تأمین‌کنندهٔ نیازهای اساسی
دوازدهم	بررسی مزایای مهارت‌آموزی فرزندان، آموزش مهارت‌های حیاتی جهت انتقال به فرزندان، تعریف توانمندسازی فردی با هدف تقویت خودادراکی مثبت، آگاهی سازگارانه، خودمدیریتی، تلاشگری، شادی، آرامش، سودمندی فردی، اعتمادبه‌نفس و مسئولیت‌پذیری فرزند
سیزدهم	تأکید بر آینده‌نگری والد، توضیح عوامل مهم شکل‌گیری ارتباطات اجتماعی سازگارانه، بیان اهمیت پایه‌گذاری توانمندی اجتماعی در محیط خانواده، تعریف توانمندسازی اجتماعی با هدف ایجاد آمادگی برای ورود به جامعهٔ بزرگتر، خودارزش‌دهی، پیشرفت اجتماعی، ارتباط اجتماعی مناسب و سودمندی اجتماعی فرزند
چهاردهم	تأکید بر خودآماده‌سازی والدینی، آموزش انواع روش‌های تشویق و تنبیه و کارآمدسازی آنها با هدف افزایش و یا حفظ رفتارهای مثبت همچنین کاهش و یا حذف رفتارهای منفی فرزند
پانزدهم	تأکید بر خودآماده‌سازی والدینی، آموزش نحوهٔ وضع قوانین مشترک با هدف افزایش انسجام و حفظ ارزش‌های خانوادگی، حفظ اقتدار والدینی و مشارکت فرزند در وضع قوانین
شانزدهم	جمع‌بندی مطالب با هدف مرور و حفظ آموخته‌ها، بررسی تأثیر جلسات قبل بر رفتار، افکار و گفتار والد و فرزند، گرفتن پس‌آزمون

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

CC BY-NC 4.0

در تعیین روایی محتوایی برنامه از نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی محتوایی(CVI) استفاده شد. برای تعیین CVR با استفاده از روش سه سویه سازی از متخصصان منتخب در سه گروه (سه متخصص در حوزۀ روان شناسی، سه معلّم و سه مادر) خواسته شد در خصوص معیار ضروررت هر یک از جلسات بستۀ آموزشی، یکی از سه گزینه (ضروری است، مفید ولی غیرضروری است، ضرورتی ندارد) را انتخاب کنند. حداقل مقادیر قابل‌قبول برای ۹ متخصص با در نظر گرفتن آلفای ۰/۰۵، برابر ۰/۷۸ است. نسبت روایی محتوایی تمامی جلسات بستۀ آموزشی بیشتر از ۰/۷۸ بود؛ بنابراین مقادیر CVR برای تمامی این جلسات مطلوب است. به عبارتی متخصصان وجود همۀ جلسات را در بستۀ آموزشی «ضروری» دانسته‌اند؛ یعنی ۱۰۰ درصد مهم‌ترین محتوا برای بسته انتخاب شده است.

جهت تعیین CVI نیز از متخصصان منتخب در سه گروه (سه متخصص در حوزۀ روان‌شناسی، سه معلّم و سه مادر) خواسته شد بر اساس طیف لیکرت ۴ درجه‌ای (کاملاً مرتبط، مرتبط اما نیاز به بازبینی، نیاز به بازبینی جدی، کاملاً غیرمرتبط) در مورد هر یک از جلسات به این سؤال پاسخ دهند که "آیا محتوای این جلسه با هدف یا اهداف جلسه مرتبط است؟". CVI برای تمام جلسات بیشتر از ۰/۸۰ بود؛ به‌عبارتی معیار مرتبط بودن محتوا با اهداف برای تمامی جلسات بستۀ آموزشی برقرار است. ۸۹ درصد پاسخ‌هایشان را به گزینۀ کاملاً مرتبط و ۱۱ درصد به گزینۀ مرتبط اما نیاز به بازبینی اختصاص دادند. بدین ترتیب، روایی محتوایی بستۀ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی با بالاترین درصد ممکن مورد تأیید متخصصان قرار گرفت و محتوای آن مطابق با نظر متخصصان اصلاح شد.

اصلاحات پیشنهادی متخصصان که در بسته اعمال شد از این قرار بود؛ جلسۀ اول: توضیح سبک‌های فرزند پروری با مرینند و ویژگی‌های آنها؛ جلسۀ سوم: تعریف مفهومی مهارت‌های زندگی؛ جلسۀ چهارم: اجرای پرسشنامۀ رضایت زناشویی برای تشخیص حوزۀ مشکل؛ جلسۀ پنجم: شرح انواع خلق‌وخو و ویژگی‌های آنها از دیدگاه توماس و چس؛ جلسۀ هفتم: ارائۀ راهکارهای ساده بازسازی شناختی همراه با مثال؛ جلسۀ دهم: اجرای پرسشنامۀ شیوه‌های فرزند پروری برای آگاهی از سبک تربیتی؛ جلسۀ یازدهم: توضیح نیازهای هیجانی اساسی انسان؛ جلسۀ دوازدهم: آموزش روش‌های مدیریت فضای مجازی، جلسۀ پانزدهم: نمایش کلیپ آموزشی برای تفهیم بحث قانون-گذاری.

براساس تحلیل داده بنیاد، مقولۀ «فرهنگ» در بستۀ آموزشی به این جلسات وارد شده است: والد-محور جلسۀ ۱: شناخت مشکلات رایج فرزند پروری در بافت‌های فرهنگی متفاوت. نمونه نقل قول: چیزی که ما باهاش بزرگ شدیم همونو به بچه منتقل می‌کنیم، حتی اگر اشتباه باشه فکر می‌کنیم درسته. والد-محور جلسۀ ۳: بررسی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و تأثیر آنها بر رفتار با کودک. نمونه نقل‌قول: احترام به بزرگتر چون بچه هستند و نمی‌دانستند، ولی مادر من روی این چیزها خیلی حساس بود. فرزند-محور جلسۀ ۲: انتقال ارزش‌ها و سنت‌ها با روش‌های تعاملی. نمونه نقل‌قول: شب یلدا رو حتی اگر تنها بودیم برگزار می‌کردیم. فرزند-محور جلسۀ ۵: مدیریت تعارض فرهنگی میان کودکان و صحبت دربارۀ تفاوت‌ها. نمونه نقل‌قول: بچه‌های امروزی سنت بلد نیستند. فقط احترام بزرگتر را نگه می‌دارند.

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

مقیاس رابطهٔ والد-کودک پیانتا: ابزاری خودگزارش دهی است که نخستین بار توسط رابرت پیانتا در سال ۱۹۹۴ طراحی شد و مقیاس رابطهٔ والد-کودک: ابزار خودگزارشی با ۳۳ سؤال است که رابرت پیانتا (۱۹۹۴) برای سنجش ادراک والد از رابطه با فرزند در تمام سنین طراحی کرد(۳۴).

این مقیاس چهار حوزه را ارزیابی می‌کند: تعارض (۲۱،۱۹،۱۷،۱۴،۱۲،۷،۴،۳،۲،۳۳،۳۲،۳۱،۲۸،۲۷،۲۶،۲۵،۲۴،۲۳)، صمیمیت(۳۰،۲۹،۱۶،۱۳،۱۰،۸،۶،۵،۱)، وابستگی (۱۸،۲۰،۲۲، ۱۵،۱۱،۹) و رابطهٔ مثبت کلی که حاصل جمع نمرات صمیمیت و معکوس نمرات تعارض و وابستگی است(۳۵). پاسخ‌ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از «قطعاً صدق نمی‌کند» تا «قطعاً صدق می‌کند» ثبت می‌شوند. دامنهٔ نمره کل بین ۳۳ تا ۱۶۵ است(۳۶). نمرهٔ کل بالاتر بیانگر رابطهٔ مثبت‌تر است. این ابزار را می‌توان براساس مؤلفه‌ها یا نمرهٔ کل تحلیل کرد؛ نمرهٔ ۳۳ تا ۶۶ معرف رابطهٔ ضعیف، ۶۶ تا ۱۰۰ متوسط و بالای ۱۰۰ بسیار خوب است(۳۷). نسخهٔ فارسی این پرسشنامه توسط طهماسیان و خرم‌آبادی (۱۳۸۶) ترجمه و روایی محتوایی آن توسط متخصصان تأیید شد(۳۸). ضرایب آلفای کرونباخ گزارش‌شده عبارت‌اند از: مطالعهٔ ابارشی و همکاران (۳۸) برای تعارض ۰/۸۴، صمیمیت ۰/۷۰، وابستگی ۰/۶۱ و کل ۰/۸۶؛ مطالعهٔ پیانتا (۳۵) به‌ترتیب ۰/۸۰، ۰/۴۶، ۰/۶۹ و کل ۰/۸۴؛ مطالعهٔ معروف‌السعدی و همکاران(۳۹) برای کل مقیاس ۰/۸۲۲. در پژوهش حاضر، پایایی این ابزار براساس آلفای کرونباخ در پیش‌آزمون ۰/۸۵۱، پس‌آزمون ۰/۸۳۴ و پیگیری ۰/۸۴۱ به دست آمد.

نرم‌افزار مورد استفاده در بخش کیفی ATLAS TI نسخهٔ ۹ و در بخش مداخله‌ای SPSS نسخهٔ ۲۷ بود.

یافته ها

اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل جنسیت، سن، تحصیلات و قومیت شرکت کنندگان بخش کیفی، همچنین جنسیت و سن فرزندان آنها به شرح زیر است:

جنسیت: ۳۲/۱ درصد مرد و ۶۷/۹ درصد زن؛ سن: ۷/۱ درصد ۲۷ تا ۳۱ سال، ۳۹/۳ درصد ۳۲ تا ۳۶ سال و ۵۳/۶ درصد ۳۷ تا ۴۱ سال؛ تحصیلات: ۶/۳ درصد دکترا، ۳۲/۱ درصد کارشناسی‌ارشد، ۵۳/۶ درصد کارشناسی، ۷/۱ درصد کاردانی و ۳/۶ درصد دیپلم؛ قومیت: ۲۵ درصد لر، ۲۵ درصد کرد، ۲۵ درصد ترک و ۲۵ درصد گیلک بودند. جنسیت فرزندان شرکت‌کنندگان: ۳۲/۱ درصد فرزندانشان دختر و ۶۷/۹ درصد پسر؛ سن فرزندان شرکت‌کنندگان: ۱۴/۳درصد سن فرزندشان ۵ سال، ۷/۱ درصد ۶ سال، ۱۴/۳ درصد ۷ سال، ۷/۱ درصد ۸ سال، ۱۷/۹ درصد ۹ سال، ۱۷/۹ درصد ۱۰ سال، ۱۷/۹ درصد ۱۱ سال و ۳/۶ درصد ۱۲ سال بودند.

پس از تحلیل و کدگذاری داده‌ها براساس نظریهٔ زمینه‌ای اشتراوس و کوربین ۱۴۱۰ مفهوم، ۱۵۸ مقوله و ۱۲ طبقه استخراج گردید و در ۵ بعد قرار گرفتند. درادامه ابعاد، طبقات و مقوله‌های آنها هر یک به تفکیک بیان شده‌اند. علل هیجانی، فکری، سلامت محور، خانوادگی، جمعیت‌شناختی، اقتصادی، آینده نگرانه، اجتماعی، ارتباطی، تفریحی، جسمانی، دیدگاهی، رفتاری، روانی، زمانی، فردی، قانونی، گذشته نگرانه، معنوی در طبقهٔ شرایط علّی والدمحور؛ علل دگرمحور والدینی در طبقهٔ شرایط علّی دگرمحور؛ علل ارتباطی، اقتصادی، آینده نگرانه، جسمانی، جمعیت‌شناختی، خانوادگی، رشدی، رفتاری، هیجانی

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

CC BY-NC 4.0

در طبقهٔ شرایط علّی فرزندمحور قرار دارند. در خصوص مقولهٔ علل خانوادگی در طبقهٔ علل والد محور، شرکت‌کنندهٔ هفتم گفت "هدف مشترک یک زوج می‌تونه بچه باشه. خوبی بچه دار شدن اینه آدم خودش یک آدم دیگه میشه و با بچه کم‌کم بزرگ میشه و تغییراتی در آدم ایجاد میشه."

شرایط زمینه‌ای به دو دستهٔ کلی تقسیم شدند: درون خانوادگی و برون خانوادگی. شرایط زمینه‌ای درون خانوادگی شامل ۲ طبقه هستند: والد محور و فرزند محور. زمینه‌های اجتماعی، ارتباطی، اقتصادی، تربیتی، تفریحی، جسمانی، خانوادگی، دانش محور، دیدگاهی، رفتاری، روانی، شخصیتی، فکری، معنوی، هیجانی در طبقهٔ شرایط زمینه‌ای والدمحور؛ زمینه‌های ارتباطی، جسمانی، جمعیت‌شناختی، خانوادگی، دانش‌محور، دیدگاهی، رفتاری، فردی، فکری، مرتبط با دوست، هیجانی در طبقهٔ شرایط زمینه‌ای فرزند محور قرار دارند. شرایط زمینه‌ای برون خانوادگی شامل زمینه‌های اجتماعی و آموزشی هستند. در خصوص مقولهٔ زمینه‌های رفتاری در طبقهٔ زمینه‌های فرزند محور، شرکت‌کنندهٔ پانزدهم بیان کرد "تو محیط کارمم به عنوان یک معلم همیشه دیدم که بچه‌ها سعی می‌کنن الگوبرداری کنن اینه که اگه خودت تونسته باشی الگوی خوبی باشی قطعاً تأثیر مثبت رو اطرافیان خصوصاً بچه‌هات می‌ذاره."

شرایط مداخله‌گر به دو دستهٔ کلی تقسیم شدند: درون‌خانوادگی و برون خانوادگی. شرایط مداخله‌گر درون خانوادگی شامل ۲ طبقه هستند: والدمحور و فرزندمحور. عوامل اجتماعی، ارتباطی، اقتصادی، بازدارنده، جسمانی، جمعیت‌شناختی، خانوادگی، دانش‌محور، دیدگاهی، رفتاری، روانی، شخصیتی، فردی، فکری، مهارتی، هیجانی در طبقهٔ شرایط مداخله‌گر والدمحور؛ عوامل ارتباطی، بازدارنده، جسمانی، جمعیت شناختی، خانوادگی، دانش‌محور، رشدی، رفتاری، شخصیتی، فکری، مرتبط با دوست، هیجانی در طبقهٔ شرایط مداخله‌گر فرزند محور قرار دارند. شرایط مداخله‌گر برون خانوادگی شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی، آموزشی، رسانه‌ای، سلامت محور، سنت محور و ظاهری هستند. در خصوص مقولهٔ عوامل جسمانی در طبقهٔ عوامل والدمحور، شرکت‌کنندهٔ نوزدهم اظهار کرد "برای خودم یه نقطه‌ضعف میدونم که اون توان جسمی لازم رو ندارم. قند و چربی دست به دست هم میده. می‌گفتم بچه دار شم این کارو می کنم اون کارو می کنم ولی وقتی توی این شرایط سنی قرار گرفتم دیدم از لحاظ جسمی کشش ندارم که بتونم با این بچه خوب بازی کنم."

روش‌های اجتماعی، ارتباطی، اصلاحی، اقتصادی، آموزشی، پیشگیرانه، تحصیلی، تشویقی، تفریحی، جسمانی، دانش‌محور، دیدگاهی، رسانه‌ای، رفتاری، سلامت‌محور، شخصیتی، فرهنگی، فکری، متمرکز به زوج، مرتبط با دوست، معنوی، مهارتی، هیجانی در طبقهٔ راهبردهای والد محور؛ روش‌های ارتباطی، خانوادگی، دانش محور، رفتاری، متمرکز بر زوج در طبقهٔ راهبردهای فرزند محور قرار دارند. درخصوص مقولهٔ روش‌های رفتاری در طبقهٔ روش‌های والدمحور، شرکت‌کنندهٔ هشتم عرض کرد "فرزندپروری خوب یعنی بتونیم نیازهای عامیانهٔ یک کودک را برآورده کنیم مثل کلاس گذاشتن. حتماً نباید منتظر باشی تا بره مدرسه، یا در کنار مدرسه و درس خوندن بره یک کلاس یا مهارتی یاد بگیره هر چیزی که خودش دوست داره یعنی کلاً در مسیر یادگیری باشه".

پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، بازدارنده، خانوادگی، دیدگاهی،

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

رشدی، رفتاری، روانی، سالمندی، فرسایشی، فکری، معنوی، مهارتی، هیجانی در طبقهٔ پیامدهای والدمحور؛ پیامدهای دگرمحور فرزندی و دگرمحور والدینی در طبقهٔ پیامدهای دگرمحور؛ پیامدهای اجتماعی، ارتباطی، اقتصادی، پیشگیرانه، تحصیلی، حقوقی، خانوادگی، دانش‌محور، دیدگاهی، رشدی، رفتاری، روانی، سالمندی، سلامت‌محور، شخصیتی، ظاهری، فرهنگی، فکری، مرتبط با دوست، معنوی، مهارتی، هیجانی در طبقهٔ پیامدهای فرزند محور قرار دارند. در خصوص مقولهٔ پیامدهای هیجانی در طبقهٔ پیامدهای فرزند محور، شرکت‌کنندهٔ اول گفت "یک انسان خوب کسیه که به خودش اول اهمیت بده و عزت نفس داشته باشه. وجودش باعث آزار دیگران نشه. سعی کنه به هدف‌هایی که داره برسه و برای چیزهای خوب تلاش کنه. بعضیا برای خودشون تلاش می‌کنند ولی دیگران رو نردبان فکر می‌کنند و میرن بالا"

در ادامه به بررسی یافته‌های بخش مداخله می‌پردازیم.

درابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در بخش مداخله‌ای نشان داد میانگین سنی گروه کنترل ۳۸/۰۷، گروه آزمایش ۳۴/۸۷ و انحراف استاندارد سنی گروه کنترل ۲/۴۶، گروه آزمایش ۴/۹۴ بود. اطلاعات جمعیت شناختی شامل سن، تحصیلات و قومیت شرکت کنندگان و نیز سن و جنسیت فرزندان آنها به شرح زیر است:

سن: در گروه آزمایش ۳۳/۳ درصد ۲۷ تا ۳۱ سال، ۶/۷ درصد ۳۲ تا ۳۶ سال و ۶۰ درصد ۳۷ تا ۴۱ سال بودند و در گروه کنترل ۲۶/۷ درصد ۳۲ تا ۳۶ سال و ۷۳/۳ درصد ۳۷ تا ۴۱ سال؛ تحصیلات: در گروه آزمایش ۶/۷ درصد دکترا، ۱۳/۳ درصد کارشناسی ارشد، ۴۶/۷ درصد کارشناسی، ۱۳/۳ درصد کاردانی، ۱۳/۳ درصد دیپلم و ۶/۷ درصد سیکل و در گروه کنترل ۲۰ درصد کارشناسی‌ارشد، ۳۳/۳ درصد کارشناسی، ۶/۷ درصد کاردانی و ۴۰ درصد دیپلم؛ قومیت: در گروه آزمایش ۳۳/۳ درصد فارس، ۱۳/۳ درصد ترک، ۳۳/۳ درصد کرد، ۱۳/۳ درصد گیلک و ۶/۷ درصد لر و در گروه کنترل ۲۰ درصد فارس، ۴۰ درصد ترک، ۱۳/۳ درصد کرد، ۶/۷ درصد عرب، ۶/۷ درصد گیلک، ۶/۷ درصد مازندرانی و ۶/۷ درصد لر بودند. سن فرزندان: در گروه آزمایش ۲۰ درصد سن فرزندشان ۷ سال، ۲۶/۷ درصد ۸ سال، ۳۳/۳ درصد ۹ سال، ۱۳/۳ درصد ۱۰ سال و ۶/۷ درصد ۱۱ سال و در گروه کنترل ۶/۷ درصد سن فرزندشان ۷ سال، ۲۶/۷ درصد ۸ سال، ۲۶/۷ درصد ۹ سال، ۲۰ درصد ۱۰ سال و ۲۰ درصد ۱۱؛ جنسیت فرزندان: در گروه آزمایش ۴۶/۷ درصد فرزندانشان دختر و ۵۳/۳ درصد پسر و در گروه کنترل ۴۶/۷ درصد فرزندانشان دختر و ۵۳/۳ درصد پسر بود.

در ادامه به منظور بررسی اثر بخشی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی بر تعامل والد-فرزند به فرضیه‌های پژوهش پاسخ داده شد. فرضیه‌ها از این قرارند: فرضیهٔ اول. بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی بر تعارض والد-فرزند تأثیر دارد، فرضیهٔ دوم. بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی بر صمیمیت والد-فرزند تأثیر دارد، فرضیهٔ سوم. بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی بر وابستگی والد-فرزند تأثیر دارد.

برای بررسی اثربخشی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی بر متغیر تعامل والد- فرزند از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر (طرح آمیختهٔ بین‌آزمودنی-درون‌آزمودنی) استفاده شد. قبل از استفاده از تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، ابتدا پیش‌فرض‌های این آزمون بررسی شد. برای بررسی

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

نرمال بودن توزیع متغیر از آزمون چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج جدول ۲ نشان داد که کلیهٔ ضرایب چولگی و کشیدگی در محدودهٔ قابل قبول قرار دارند. بنابراین شرط کافی برای نرمال بودن توزیع متغیر تعامل والد-فرزند در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری برقرار است و می‌توان از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده کرد. همچنین این جدول میانگین متغیرها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه کنترل و آزمایش را نشان می‌دهد. برای بررسی همگنی واریانس از آزمون لوین استفاده شد. نتایج آزمون لوین برای ۳ خرده مقیاس تعارض، صمیمیت و وابستگی در سطح پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری معنادار نبود؛ (F=۰/۰۰۷، P=۰/۹۳۶؛ F=۰/۵۹، P=۰/۴۴۹؛ F=۱/۲۴۷، P=۰/۲۷۴)، (F=۲/۸۰۷، P=۰/۱۰۵؛ F=۰/۰۸۶، P=۰/۷۷۲؛ F=۲/۱۲۶، P=۰/۱۵۶) و (F=۰/۳۶۴، P=۰/۵۵۱؛ F=۰/۵۲۸، P=۰/۴۷۴؛ F=۰/۶۹۵، P=۰/۴۱۲)؛ لذا پیش فرض مربوط به همگنی واریانس‌ها رعایت شده است.

جدول ۲: بررسی شاخص‌های چولگی و کشیدگی مؤلفه‌های پژوهش

گروه	متغیر پژوهش	تعداد آزمودنی	میانگین	انحراف استاندارد	دامنهٔ تغییرات	چولگی		کشیدگی	
						آماره	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد
کنترل	تعامل والد-فرزند پیش آزمون	۱۵	۱۰۷/۸۷	۱۵/۸۶۹	۵۰	۰/۰۸۶	۰/۵۸	-۱/۰۰۱	۱/۱۲۱
	تعامل والد-فرزند پس آزمون	۱۵	۱۰۵/۳۳	۱۴/۹۳۲	۴۷	۰/۰۶۸	۰/۵۸	-۰/۹۶۹	۱/۱۲۱
	تعامل والد-فرزند پیگیری	۱۵	۱۰۴/۰۰	۱۵/۰۷۶	۴۷	۰/۱۲۵	۰/۵۸	-۰/۹۴۶	۱/۱۲۱
آزمایش	تعامل والد-فرزند پیش آزمون	۱۵	۱۰۶/۰۷	۱۵/۸۹۹	۶۰	-۰/۲۸۹	۰/۵۸	۰/۳۸۴	۱/۱۲۱
	تعامل والد-فرزند پس آزمون	۱۵	۱۱۸/۹۳	۱۳/۱۸۳	۵۴	-۰/۴۴۹	۰/۵۸	۱/۲۵۴	۱/۱۲۱
	تعامل والد-فرزند پیگیری	۱۵	۱۲۲/۹۳	۱۱/۳۷۳	۴۵	-۰/۲۹	۰/۵۸	۰/۶۰۲	۱/۱۲۱

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

همچنین به منظور ارزیابی پیش‌فرض همگنی کوواریانس‌ها با کوواریانس کل از آزمون کرویت ماچلی استفاده شد. نتایج آزمون کرویت ماچلی نشان دهندهٔ عدم رعایت مفروضهٔ همگنی کوواریانس‌ها در ۳ خرده‌مقیاس تعامل والد- فرزند بود؛ بنابراین از آزمون تصحیح گرین‌هاوس-گایزر استفاده شد و نتایج آن بیانگر رعایت همگی کواریانس‌ها بود. درادامه نتایج تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر برای ۳ خرده‌مقیاس تعامل والد- فرزند در جدول ۳ ارائه می‌شود.

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که اثر زمان و اثر تعاملی زمان × گروه در متغیرهای تعارض و صمیمیت معنادار بود. یعنی شرکت کنندگان در پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری به صورت معناداری تغییر کرده‌اند. اما اثر زمان و اثر تعاملی زمان × گروه در متغیر وابستگی والد- فرزند معنادار نبود. یعنی شرکت‌کنندگان در سه زمان پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تغییر معناداری نداشتند. یافته‌های جدول حاضر گویای معناداری متغیر بین‌گروهی(گروه) نیست. لذا برای تحلیل کامل‌تر اثر گروه، به جدول ۴ ارجاع داده می‌شود.

براساس نتایج جدول ۴ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ ، در خرده مقیاس تعارض والد-فرزند عامل گروه نیز اثرگذار بود؛ یعنی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی در مراحل مختلف ارزیابی و در گروه‌های مختلف تأثیر معناداری بر کاهش تعارض داشت. در خرده مقیاس صمیمیت والد-فرزند عامل گروه اثرگذار نبود، اما بستهٔ آموزشی در مجموعِ مراحل ارزیابی موجب تغییر معنادار صمیمیت شد. در خرده مقیاس وابستگی والد-فرزند عامل گروه و مداخله در مراحل مختلف اثر معناداری نداشتند؛ بنابراین بستهٔ آموزشی بر وابستگی تاثیر معناداری ایجاد نکرد. درادامه به منظور بررسی مقایسهٔ زوجی میانگین نمرات خرده مقیاس‌های تعارض و صمیمیت بر حسب سه مرحلهٔ پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری از آزمون تعقیبی بنفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

نتایج جدول ۵ نشان داد که میانگین نمرات تعارض والد- فرزند در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معناداری داشت؛ به‌گونه‌ای که آموزش ارائه شده موجب کاهش معنادار تعارض در مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون شد.

همچنین تفاوت معنادار میان پس‌آزمون و پیگیری بیانگر تداوم این کاهش در دورهٔ پیگیری بود. در صمیمیت والد- فرزند نیز میانگین نمرات سه مرحله تفاوت معناداری نشان داد و آموزش منجر به افزایش معنادار صمیمیت در پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون شد. باوجوداین، تفاوت معناداری بین پس‌آزمون و پیگیری مشاهده نشد که حاکی از آن است افزایش صمیمیت در دورهٔ پیگیری حفظ نشده است.

همچنین نتایج آزمون‌های تعقیبی نشان داد که تفاوت معنادار بین نمرات پیش‌آزمون و پیگیری در صمیمیت والد-فرزند تنها در گروه دریافت‌کنندهٔ آموزش مشاهده شد، درحالی‌که این تفاوت در گروه کنترل معنادار نبود. این یافته بیانگر اثر تعامل معنادار بین مرحلهٔ پیش‌آزمون و پیگیری و نوع گروه (آزمایش/کنترل) است؛ به این معنا که افزایش صمیمیت والد-فرزند به دست آمده در پس‌آزمون، در گروه آزمایش طی مرحلهٔ پیگیری نیز حفظ شد، اما چنین الگویی در گروه کنترل مشاهده نشد.

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

جدول ۳: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای ۳ خرده‌مقیاس متغیر تعامل والد- فرزند

خرده‌مقیاس	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	F	p	مجذور اتا
تعارض والد-فرزند	زمان	۳۱۳/۷۵۶	۱/۱۴۸	۲۷۳/۳۵۶	۳۱/۵۳۶	۰/۰۰۱	۰/۵۳
	زمان × گروه	۹۶۱/۶۶۷	۱/۱۴۸	۸۳۷/۸۴۳	۹۶/۶۵۸	۰/۰۰۱	۰/۷۷۵
صمیمیت والد-فرزند	زمان	۷۴/۸۲۲	۱/۶۶۲	۴۵/۰۳۱	۲۲/۳۹۳	۰/۰۰۱	۰/۴۴۴
	زمان × گروه	۷۸/۲۸۹	۱/۶۶۲	۴۷/۱۱۷	۲۳/۴۳۱	۰/۰۰۱	۰/۴۵۶
وابستگی والد-فرزند	زمان	۰/۲۸۹	۱/۲۸۳	۰/۲۲۵	۰/۲۸۹	۰/۶۵۱	۰/۰۱
	زمان × گروه	۳/۷۵۶	۱/۲۸۳	۲/۹۲۷	۳/۷۶۲	۰/۰۵۱	۰/۱۱۸

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس برای ۳ خرده‌مقیاس متغیر تعامل والد- فرزند

خرده‌مقیاس	منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجهٔ آزادی	میانگین مجذورات	F	p	مجذور اتا
تعارض والد-فرزند	گروه	۱۷۶۸/۹	۱	۱۷۶۸/۹	۴/۹۴	۰/۰۳۴	۰/۱۵
	مقدار باقی‌مانده	۱۰۰۲۶/۲	۲۸	۳۵۸.۰۷۹			
صمیمیت والد-	گروه	۱۷/۷۷۸	۱	۱۷/۷۷۸	۰/۲۸۹	۰/۵۹۵	۰/۰۱
فرزند	مقدار باقی‌مانده	۱۷۲۰/۸۴۴	۲۸	۶۱/۴۵۹			
وابستگی والد-فرزند	گروه	۵/۳۷۸	۱	۵/۳۷۸	۰/۱۴۵	۰/۷۰۶	۰/۰۰۵
	مقدار باقی‌مانده	۱۰۳۵/۱۱۱	۲۸	۳۶/۹۶۸			

جدول ۵: مقایسهٔ زوجی میانگین نمرات تعارض والد-فرزند و صمیمیت والد- فرزند بر حسب آزمون تعقیبی بنفرونی

مؤلفه	زمان	زمان	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	p	بازهٔ اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت	
						کران پایین	کران بالا
تعارض	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۳/۴۳۳*	۰/۶۳۳	۰/۰۰۱	-۵/۰۴۵	-۱/۸۲۲
والد-فرزند		پیگیری	-۴/۳۳۳*	۰/۷۳۳	۰/۰۰۱	-۶/۲	-۲/۴۶۷
	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۳/۴۳۳*	۰/۶۳۳	۰/۰۰۱	۱/۸۲۲	۵/۰۴۵
		پیگیری	-۰/۹۰۰*	۰/۲۳۹	۰/۰۰۲	-۱/۵۰۸	-۰/۲۹۲
	پیگیری	پیش‌آزمون	۴.۳۳۳*	۰/۷۳۳	۰/۰۰۱	۲/۴۶۷	۶/۲
		پس‌آزمون	-۰/۹۰۰*	۰/۲۳۹	۰/۰۰۲	۰/۲۹۲	۱/۵۰۸
صمیمیت	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	-۱/۷۶۷*	۰/۳۱۱	۰/۰۰۱	-۲/۵۵۹	-۰/۹۷۴
والد-فرزند		پیگیری	-۲/۰۶۷*	۰/۴	۰/۰۰۱	-۳/۰۸۶	-۱/۰۴۷
	پس‌آزمون	پیش‌آزمون	۱/۷۶۷*	۰/۳۱۱	۰/۰۰۱	۰/۹۷۴	۲/۵۵۹
		پیگیری	-۰/۳	۰/۲۷۷	۰/۸۶۶	-۱/۰۰۷	۰/۴۰۷
	پیگیری	پیش‌آزمون	۲/۰۶۷*	۰/۴	۰/۰۰۱	۱/۰۴۷	۳/۰۸۶
		پس‌آزمون	۰/۳	۰/۲۷۷	۰/۸۶۶	-۰/۴۰۷	۱/۰۰۷

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر طراحی بستهٔ آموزشی فرزند پروری چندفرهنگی و بررسی اثربخشی آن بر تعامل والد–فرزند بود. یافته‌های کیفی که با تحلیل و کدگذاری داده‌ها براساس نظریهٔ زمینه‌ای اشتراوس و کوربین به دست آمد نشان می‌دهد که والدین از طریق فرآیند یادگیری و بازاندیشی نسبت به خود و روابط خانوادگی، می‌توانند به شناخت بهتری از نیازهای کودک دست یابند و شیوه‌های تربیتی خود را با شرایط اجتماعی و فرهنگی انطباق دهند. این موضوع بیانگر آن است که راهبردهای تربیتی والدین نه تنها از تجربیات گذشته بلکه از شرایط حال و آینده نیز نشأت می‌گیرد. در واقع، والدین می‌کوشند فرزندان خود را برای حضور مؤثّر در جامعه آماده کنند تا ضمن احترام به هنجارهای اجتماعی، از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند نیز بهرهٔ کافی ببرند. پژوهش‌های اخیر نیز تأکید کرده‌اند که سرمایه‌گذاری والدین در یادگیری و ارتقاء مهارت‌های تربیتی به افزایش مشارکت اجتماعی کودکان و کاهش آسیب‌های رفتاری در سال‌های بعد منجر می‌شود(۶). همچنین آگاهی والدین از ویژگی‌های فردی، وضعیت خانوادگی و نیازهای روانی–اجتماعی کودک نقش بنیادینی در بهبود رفتار تربیتی دارد. والدینی که درکی دقیق از خود و کودکانشان دارند، قادرند شیوه‌های تربیتی مؤثرتری اتخاذ کنند و ارتباطی مطمئن، سازگار و پیشگیرانه با فرزندان برقرار سازند. بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی والدگری چند فرهنگی که بر آگاهی فرهنگی و پاسخ دهی حساس تأکید می‌کنند، توانمندی والدین و تعاملاتشان با کودک را ارتقاء می‌دهند(۲۵). همچنین والدین نیاز دارند مانند یک معمار، نقشهٔ راه تربیتی خود را با شناخت ارزش‌ها، علائق، هیجان‌ها و نیازهای روانی فرزندان طراحی کنند. این نقشه باید انعطاف پذیر باشد تا در مواجهه با چالش‌ها و تغییرات اجتماعی، قابل بازنگری و اصلاح باشد. شواهد نشان می‌دهد که طرح‌های تربیتی ساختارمند و قابل تطبیق به کاهش تنش والد–فرزند و ارتقاء روابط مثبت منجر می‌شوند. برای مثال مداخلات دیجیتال والدگری مسیرهای انعطاف پذیر را برای مشارکت والدین به ویژه پدران فراهم می‌کنند و در افزایش مهارت‌های تربیتی هر دو والد مؤثّرند(۱۵).

در بخش مداخله‌ای، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی منجر به کاهش معنادار نمرات تعارض والد-فرزند در مراحل مختلف ارزیابی و در گروه‌های مختلف شد. این یافته فرضیهٔ اول پژوهش مبنی بر تأثیر بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی بر تعارض والد-فرزند را تأیید می‌کند. میانگین نمرات گروه آزمایش از پیش‌آزمون به پس‌آزمون و پیگیری افزایش یافت و این تغییرات نسبت به گروه کنترل معنادار و پایدار بود. همچنین نتایج بیانگر آن است که بستهٔ آموزشی حاضر منجر به افزایش معنادار نمرات صمیمیت والد-فرزند در مراحل مختلف ارزیابی شد. این یافته فرضیهٔ دوم پژوهش مبنی بر تأثیر بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی بر صمیمیت والد-فرزند را تأیید می‌کند. در گروه آزمایش، میانگین نمرات از پیش‌آزمون به پس‌آزمون و پیگیری افزایش یافت، درحالی‌که گروه کنترل تقریباً ثابت ماند. بر خلاف فرضیهٔ سوم که تأثیر بستهٔ آموزشی فرزند پروری چند فرهنگی را بر وابستگی والد-فرزند پیش‌بینی می‌کرد، نتایج به دست‌آمده این فرضیه را رد کرد. بنابراین آموزش مذکور

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

تأثیر قابل‌توجهی بر مؤلفهٔ وابستگی نداشت.

این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو است. برای مثال، بشیرگنبدی و همکاران(۷) در پژوهشی به بررسی اثر بخشی برنامهٔ والدگری مبتنی بر ذهن آگاهی بر کیفیت رابطهٔ والد فرزندی در مادران دارای فرزند با اختلال نارضایتی جنسیتی پرداختند. نتایج نشان داد که سطح کیفیت رابطهٔ والد-فرزند در گروه آزمایش بین مرحلهٔ پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری و نیز بین مرحلهٔ پس‌آزمون و پیگیری کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، این برنامه باعث بهبود کیفیت روابط والد-فرزند شده و این بهبودی تا مرحلهٔ پیگیری برقرار بوده است. دهقانی(۹) در پژوهش خود با عنوان اثر بخشی فرزند پروری مبتنی بر مهارت‌های سازمان دهی بر بهبود رابطهٔ والد-فرزند مادران کوکان پیش دبستانی نشان داد که برنامهٔ مذکور باعث کاهش تعارض و افزایش صمیمیت شده است، اما از این جهت که باعث افزایش وابستگی والد-فرزند شد با پژوهش حاضر ناهمخوان است.

در مطالعه‌ای دیگر متقی(۸) با بررسی اثر بخشی آموزش فرزند پروری مبتنی بر پذیرش و تعهد بر رابطهٔ والد-کودک در مادران جوان به این نتیجه دست یافت که آموزش فرزند پروری مبتنی بر پذیرش و تعهد تأثیر معناداری بر افزایش میانگین نمرهٔ رابطهٔ والد-کودک دارد. این برنامه تأثیر نسبتاً خوبی بر مؤلفهٔ صمیمیت، علاوه برآن تأثیر چشمگیری بر کاهش تعارض بین والدین و فرزندان داشت و بیش‌ترین اندازهٔ اثر مربوط به تعارض بود. همچنین بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفهٔ وابستگی تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. بعد از تعارض، بیشترین اندازهٔ اثر مربوط به خرده مقیاس وابستگی بود و تأثیر معناداری بر افزایش وابستگی والد-کودک داشت. پس نتایج در مؤلفهٔ وابستگی با پژوهش حاضر ناهمخوان است.

در مطالعهٔ فایضی و همکاران(۱۳) با موضوع تدوین مدل التقاطی خانواده محور و مقایسهٔ اثربخشی آن با درمان تعامل والد-کودک در بهبود رابطهٔ والد-کودک کودکان مبتلا به اختلالات طیف اوتیسم (با عملکرد بالا) نتیجه از این قرار بود که میانگین نمرات رابطهٔ والد-کودک در گروه خانواده محور نسبت به گروه برنامهٔ تعامل والد-کودک در بعد تعارض تفاوت معنی-داری ندارد. اما هر دو گروه نسبت به گروه کنترل کاهش معنی-داری در این بعد نشان دادند. همچنین مدل التقاطی خانواده - محور نسبت به برنامهٔ تعامل والد-کودک در بهبود صمیمیت و وابستگی اثربخش‌تر بود. در نتیجه می‌توان از مدل التقاطی خانواده محور برای بهبود روابط والد-کودک بهره برد. بنابراین مطالعهٔ حاضر در بعد وابستگی ناهمخوان با این پژوهش است. علاه براین در پژوهش کوثری و همکاران (۱۴) با عنوان اثر بخشی برنامهٔ ترکیبی آموزش مدیریت والدین و فرزند پروری ذهن آگاهانه بر رابطهٔ والد-کودک این نتیجه حاصل شد که برنامهٔ مذکور در کاهش تعارضات بین والد و کودک مؤثّر است. بین گروه دریافت‌کنندهٔ برنامهٔ ترکیبی و گروه کنترل تفاوت معناداری وجود داشت. همچنین در مرحلهٔ پیگیری بین گروه آزمایش و گروه کنترل در مؤلّفهٔ تعارض تفاوت معناداری دیده شد. همچنین این برنامه بر صمیمیت والد و کودک تأثیرگذار بود. در مرحلهٔ پیگیری نیز این معناداری پایدار باقی ماند. اما برنامهٔ یاد شده در میزان وابستگی والد-کودک تغییری ایجاد نکرد. بین گروه آزمایش و گروه کنترل در زیرمقیاس وابستگی تفاوت معناداری وجود نداشت و در مرحلهٔ پیگیری

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

نیز تفاوت معناداری بین دو گروه دیده نشد. بنابراین هم‌راستا با پژوهش حاضر است. عطار و همکاران (۱۲) نیز در پژوهش خود با هدف اثر بخشی بستهٔ آموزشی فرزند پروری ذهن‌آگاهانه بر بهبود رابطهٔ والد-کودک، استرس فرزند پروری و احساس تنهایی دریافتند که آموزش فرزند پروری مبتنی بر ذهن‌آگاهانه بر بهبود رابطهٔ والد-کودک، کاهش استرس فرزند پروری و کاهش احساس تنهایی مادران تأثیر دارد.

نتایج به دست‌آمده را بر اساس نظریهٔ یادگیری-اجتماعی بندورا (۱۸)، می‌توان این گونه تبیین کرد که بخشی از کاهش تعارض حاصل یادگیری مشاهده‌ای و جایگزینی الگوهای ارتباطی ناکارآمد با رفتارهای سازنده است زیرا رفتارهای مثبت والد و کاهش پاسخ‌های منفی از طریق مدل‌سازی تسهیل می‌شود. همچنین نظریهٔ بوم شناختی برونفن برنر(۳۰) توضیح می‌دهد که محیط اجتماعی-فرهنگی غنی و حمایت‌گر می‌تواند کیفیت تعاملات و مهارت‌های حل مسئلهٔ والدین را ارتقاء بخشد. در بافت چندفرهنگی، هماهنگی آموزش با هنجارها و انتظارات فرهنگی نقش مهمی در پذیرش و بکارگیری مهارت‌های ارتباطی دارد؛ موضوعی که باعث پایداری کاهش تعارض در گروه آزمایش شد. مداخلهٔ چندفرهنگی با تقویت محیط‌های پیرامونی حمایتی، مسیر کاهش تعارض را هموار کرده است. یافته‌ها با نظریهٔ بوم شناختی برونفن برنر نیز(۳۰) همخوانی دارند؛ چراکه عوامل محیطی و چندسطحی بر کیفیت تعاملات خانوادگی نقش‌آفرین‌اند. درواقع استفاده از این برنامه موجب شد تا مادران به جای اجتناب از رابطه با فرزند خود به دنبال حل مشکلات ارتباطی بوده و از این طریق نگرش‌های ناکارآمد خود را نسب به فرزندشان کاهش داده و در جهت بهبود ارتباط با فرزند خود گام بردارند.

برمبنای نظریهٔ دلبستگی بالبی(۱۹)، وجود محیط عاطفی باثبات و پاسخگو، امنیت هیجانی و اعتماد را در کودک تقویت می‌کند و به صمیمیت بیشتر منجر می‌شود. همچنین چارچوب نظریهٔ یادگیری-اجتماعی بندورا(۱۸) و یافته‌های بین فرهنگی نشان می‌دهند که والدین با انتقال ارزش‌ها و ظرافت‌های ارتباطی فرهنگ خود در تعاملات روزمره، بنیانی برای پیوند عاطفی می‌سازند. ترکیب آموزش مهارت‌های ارتباطی با آگاهی بین فرهنگی موجب می‌شود والدین الگوهای گفت‌وگو، شنیدن فعال و ابراز محبت را به‌طور مؤثّر به کار گیرند و روابط صمیمانه‌تری با فرزندان خود برقرار کنند. مداخلات آموزشی منجر به بهبود رفتارهای مثبت والد و ایجاد روابط صمیمانه‌تر با فرزند می‌شوند. طبق نظریهٔ ارزش شوارتز(۲۰)، همسویی آموزش با ارزش‌های حاکم خانواده احتمال بروز رفتارهای محبت آمیز را بالا می‌برد. این مطالعه نتایج مهمی برای متخصصان حوزهٔ روان شناسی و آموزش کودکان به همراه دارد و به توسعهٔ روش‌های درمانی مبتنی بر فرهنگ بومی کمک می‌کند.

براساس یافته‌های حاصل از پژوهش می‌توان استنباط کرد که وابستگی، به‌ویژه در بافت فرهنگی چندقومیتی، بیش از آن‌که با آموزش کوتاه مدت والدین تغییر کند، تحت تأثیر عوامل شخصیتی، تجارب و تعاملات طولانی‌مدت و نیز تجارب عاطفی مکرر قرار دارد. این تبیین بر اساس نظریهٔ دلبستگی بالبی(۱۹) قابل درک است که پیوندهای عاطفی عمیق، به ویژه در دوران کودکی، ساختاری پایدار دارند و نیازمند مداخلات بلندمدت و چند وجهی برای تغییرند. عوامل فرهنگی در جوامع جمع‌گرا نیز

CC BY-NC 4.0

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]
[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

ممکن است در تثبیت یا حتی تقویت سطح وابستگی نقش داشته باشند و در برابر تغییر مقاومت ایجاد کنند، به ویژه در فرهنگ‌هایی که پیوند وابستگی را ارزش مثبت تلقی می‌کنند و در برابر تغییر آن مقاومت نشان دهند. براساس مداخلات مشابه نیز می‌توان چنین تبیین کرد که آموزش کوتاه مدت تأثیر محسوسی بر وابستگی ندارد. بنابراین، پایایی این مؤلفه را باید در طراحی و اجرای برنامه‌های پیوسته و با تعامل فعال والد–فرزند در طول زمان جستجو کرد.

حجم نمونهٔ محدود، اجرای آموزش در یک منطقهٔ جغرافیایی خاص و عدم پیگیری طولانی‌مدت، تعمیم پذیری نتایج را محدود می‌کند. علی‌رغم محدودیت‌های ذکرشده، جهت توسعه و تعمیق دانش موجود در حوزهٔ فرزندپروری چند فرهنگی، پیشنهاد می‌شود: ۱.پژوهش‌های مشابه با نمونه‌های بزرگ‌تر و متنوع‌تر از نظر قومی–فرهنگی اجرا شوند. ۲.اثر این بستهٔ آموزشی در گروه‌های سنی مختلف کودکان بررسی شود. ۳.مطالعات طولی با پیگیری‌های بلندمدت طراحی شود تا پایداری اثرات به ویژه در مؤلفهٔ وابستگی، ارزیابی گردد. ۴.بستهٔ حاضر با سایر رویکردهای مداخله‌ای نظیر فرزند پروری مثبت و ذهن‌آگاهی مقایسه شود. ۵.متغیرهای روان شناختی والدین مانند فرسودگی والدگری و رضایت زناشویی نیز در کنار تعامل والد–فرزند به‌عنوان پیامدهای مداخله سنجیده شوند.

همچنین با توجه به اثر بخشی این بستهٔ آموزشی در بهبود تعامل والد–فرزند، توصیه می‌شود: ۱.محتوای بستهٔ آموزشی چند فرهنگی در برنامهٔ مراکز مشاورهٔ خانواده و مدارس به ویژه مناطق چندفرهنگی ادغام گردد. ۲.نسخه‌های ساده‌سازی‌شده برای والدین با سواد یا دسترسی محدود تهیه شود. ۳.کارگاه‌های حضوری و آنلاین برای متخصصان حوزهٔ خانواده برگزار شود. ۴. ادارات آموزش و پرورش و سازمان‌های مردم نهاد از این مداخله به عنوان سیاست پیشگیرانهٔ ارتقاء سلامت خانواده حمایت نمایند.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر با کد اخلاق IR.GUILAN.REC.1403.091 در معاونت پژوهشی دانشگاه گیلان تصویب شده است.

سهم نویسندگان

سما جدیدی در ایده پردازی و طراحی پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله، سید موسی کافی ماسوله و ایرج شاکری نیا در هدایت و مشاورهٔ علمی و همچنین عباسعلی حسین خانزاده در ویرایش مقاله مشارکت داشته‌اند. نویسندگان نسخهٔ نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

حمایت مالی

در انجام این مقاله از حمایت مالی هیچ سازمانی استفاده نشد.

تضاد منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

نویسندگان این مقاله برحسب وظیفه از تمامی والدین شرکت‌کننده در پژوهش تشکر و قدردانی می‌نمایند.

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

CC BY-NC 4.0

References

1-Aghakeshmiri A, Soleimanian A, Golpich Z. An integrative parenting program for adoptive families: A mixed-method study. Practice in Clinical Psychology. 2024;12(2):137-152.

2-bahrami A, fatehizade M, abedi A & et al. Developing a model of effective parent-child interaction for preschool children (4 to 6 age): A qualitative study. Psychological Science. 2021;20(103):1213-1233.

3-O Toole C, Lyons R, Houghton C. A qualitative evidence synthesis of parental experiences and perceptions of parent-child interaction therapy for preschool children with communication difficulties. Speech, Language, and Hearing Research. 2021;64(8):3159-3185.

4-Mikaeili N, Salmani A, Sharei A. The effect of communication skills training on family adaptability/cohesion and coping strategies in parents of female students with learning disabilities. Learning Disabilities. 2023;13(1):42-56.

5-Khadami A & Hajizadeh Mimanadi M. Understanding the challenges of adoption in Shiraz. Studies in Psychology and Educational Sciences. 2024;10(1):801-823.

6-Loiselle R, Parent J, Georgeson AR & et al. Validation of the multidimensional assessment of parenting: An application of item response theory. Psychological assessment. 2021;33(9):803–815.

7-Bashirgonbadi S, Sheykholeslami A, Rezaeisharif A & et al. The effectiveness of parenting program based on mindfulness on resilience and quality of the parent-child relationship in mothers with children with gender dysphoria. Rooyesh-e-Ravanshenasi. 2023;12(9):11-20.

8-Mottaghi R. The Effectiveness of Parenting Education Based on Acceptance and Commitment on Self-efficacy and Parent-child Relationship in Young Mothers. Nursing Education. 2024;13(1):58-67.

9-Dehghani M. Effectiveness of organization-based parenting on separation anxiety and parent-child relationship in mothers of preschool children. Psychology New Ideas. 2025;23(27):1-13.

10-Gharadaghi M, Amani A. Effectiveness of positive (TRIPLE P) parenting skill training on mother-child relationship quality, parenting self-efficacy and Affective control in the divorced mothers with children. Family Research. 2022;18(3):423-443.

11-Karimnejad Isfahani R, Ansari Shahidi M, Dehghani A. Effectiveness of Schema-Based Parenting on Emotion Regulation, Reflective Functioning, and the Parent-Child Relationship of Mothers with Children Under 6 Years Old. Psychology of Woman. 2024;5(3):56-67.

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

12-Attar S, Zareei Mahmoodabadi H, Sedrpoushan N. The effectiveness of the mindful parenting training package on improving the parent-child relationship, parenting stress and feelings of loneliness. Research in Psychological Health. 2024;17(4):66-81.

13-Fayezi N, Narimani M, Aghajani S & et al. Developing a family-centered eclectic model and comparison of its effectiveness with the treatment of parent-child interaction in improving the parent-child relationship of children with autism spectrum disorders (high performance). Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences. 2022;30(9):5204-5214.

14-Kosari F, Sabahi P, Makvand Hosseini S. The Effectiveness of Combined Program of Parent Management Training and Mindful Parenting on Parental Stress, Parent-Child Relationship and Child's Externalizing Problems. Applied Psychology. 2023;17(2):115-139.

15-Brandes O, Saar CR, Baumel A. Examining differential effects of digital parent training for child behavior problems on maternal and paternal outcomes. Children. 2025;12(4):469.

16-Yim EP. Effects of Asian cultural values on parenting style and young children's perceived competence: A cross-sectional study. Frontiers in Psychology. 2022;13:905093.

17-He H, Usami S, Rikimaru Y & et al. Cultural roots of parenting: Mothers' parental social cognitions and practices from Western US and Shanghai/China. Frontiers in Psychology. 2021;12:565040.

18-Bandura A. Social learning theory. USA: Prentice Hall. 1977.

19-Bowlby J. Attachment and loss: Attachment (Vol. 1). British: Hogarth Press. 1969.

20-Schwartz SH. Individualism-collectivism: critique and proposed refinements. Cross-Cultural Psychology. 1990;21:139–157.

21-Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. Early Adolescence. 1991;11(1):56-95.

22-Cai B. Cultural Variations in Parenting Styles and Their Impact on Child Development. Communications in Humanities Research. 2024;50(1):176-182.

23-Masiran R. A review of parenting in a multicultural country: The Malaysian experience. In: Samadi SA, editors. Parenting - Challenges of Child Rearing in a Changing Society. IntechOpen; 2022.

24-Elwakeel SA, Mahpur M & Saadati N. Cultural influences on perceptions of parenthood and family life. Psychological Research in Family and Culture. 2024;2(3):29-35.

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

 CC BY-NC 4.0

25-Schilling S, Mebane A & Perreira KM. Cultural adaptation of group parenting programs: Review of the literature and recommendations for best practices. Family Process. 2021;60(4):1134–1151.

26-Mesman J, Emmen RAG. Cultural perspectives on parenting. In: Weekes-Shackelford VA & Shackelford TK, editors. The Oxford handbook of evolutionary psychology and parenting. 1nd ed. Oxford: Oxford University Press. 2021:97-114.

27-Hamari L, Konttila J, Merikukka M & et al. Parent support programmes for families who are immigrants: A scoping review. Journal of immigrant and minority health. 2022;24(2):506–525.

28-Jadidi S. Designing and validating a multicultural parenting training package in the families of Iranian ethnic groups and its effectiveness on the parent-child relationship, parents' anger, parenting competence and children's emotion regulation [Ph.D. thesis]. University of Guilan. 2025.

29-Thomas A & Chess S. Temperament and development. Brunner/Mazel. 1977.

30-Bronfenbrenner U. Toward an experimental ecology of human development. American Psychologist. 1977;32(7):513–531.

31-Young JE, Klosko JS & Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. New York: Guilford Press. 2003.

32-Glasser W. Choice theory. New York: Harper Collins. 1998.

33-Beck AT. Cognitive therapy and the emotional disorders. New York: International Universities Press. 1976.

34-Abedi Shapourabadi S, Pourmohamadreza Tajrishi M, Mohamadkhani P & et al. Effectiveness of group training positive parenting program (Triple-P) on parent-child relationship in children with attention deficit/ hyperactivity disorders. Clinical Psychology. 2012;4(3):63-73.

35-Driscoll K & Pianta RC. Mother's and father's perceptions of conflict and closeness in parent-child relationships during early childhood. early childhood and infant psychology. 2011;7:1-24.

36-Monfared F. Investigating the relationship between mother-child and functional emotional development and functional language development in preschool children in Mashhad region 7 [Master's thesis]. Ferdowsi University of Mashhad. 2011.

37-Ahmadi Farsani M, Bagheri N, Sharifi T. The effect of Barkley's parent training program on the improvement of the mother-child relationship among anxious students. Family and Research. 2020;17(3):127-142.

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

38-Abareshi Z, Tahmasian K, Mazaheri MA & et al. The impact of psychosocial child development training program, done through improvement of mother-child interaction, on parental self-efficacy and relationship between mother and child under three. Research in Psychological Health. 2009;3(3):49-58.

39-Maruf AL-Sadi RI, Sajjadian I, Al-Araji IM & et al. The effectiveness of early start denver model on symptoms of autism spectrum disorder and parent-child interaction in preschool children with autism. 2024;3(5):275-291.

[Downloaded from tbj.ssu.ac.ir on 2026-10-10]

[DOI: 10.18502/tbj.v24i3.20764]

CC BY-NC 4.0